

## بیانه به مناسبت هشتمین دوره ی انتخابات ریاست جمهوری

با اعلام نامزدهای پذیرفته شده از سوی «شورای نگهبان» فعالیت انتخاباتی هشتمین دوره ی ریاست جمهوری به طور رسمی آغاز شد. این انتخابات نیز مانند هر انتخابات دیگری در جمهوری اسلامی، در شرایط فقدان همه ی پیش شرط های لازم برای انتخاباتی آزاد، یعنی وجود احزاب، سازمان ها و مطبوعات مستقل، محدود بودن رقابت های انتخاباتی به جناح های دولتی و عدم امکان مشارکت افراد و نیروهای مخالف و منتقد در آن و در شرایطی که نامزد شدن مستلزم وفاداری به ولایت فقیه می باشد، اساساً انتخاباتی ضد دموکراتیک است. افزون بر این، در چارچوب یک قانون اساسی که خودکامگی «رهبر» و بی اختیاری نهادهای انتخاباتی پایه آن است و نهاد برگزیده ی مردم با فرمان رهبر و صدور حکم حکومتی بی اختیار و بی مصرف می گردد و نمایندگان منتخب مردم در معرض تهدید مداوم دستگاه قضایی برگزیده ی رهبر قرار دارند، ارکان های انتخاباتی حتا دیگر در ظاهر هم نمی توانند ابزار اعمال اراده ی مردم باشند.

علیرغم این واقعیت، مردم ما که در سال های اخیر از هر فرصتی برای ابراز مخالفت خود با نظام ولایت فقیه و تضعیف آن استفاده کرده اند، انتخابات را نیز به گونه ای هوشمندانه به نمایش مقابله با مانیای حاکم و تحمیل اراده ی خویش - هر چند محدود و گذرا - تبدیل نموده اند. این بیان مخالفت در دوم خرداد ۷۶ با جلوگیری از انتخاب نامزد مورد نظر حاکمیت یعنی ناطق نوری و با امید به ایجاد تغییراتی در فضای موجود، به صورت حضور فعال در صحنه ی انتخابات و در جریان انتخابات مجلس خبرگان یا توجه به بسته بودن امکان مانور به شکل دورماندن از صندوق ها و عدم شرکت در آن و در انتخابات شوراها و مجلس ششم از طریق به نمایش گذاردن افراد باند حاکم و تحمیل نتایج مفتضحانه ای چون آراء هاشمی رفسنجانی انجام گرفت.

ولی برخلاف انتخابات دوم خرداد ۷۶ و انتخابات شوراها و مجلس ششم، در این انتخابات هیچ گونه امکان مانوری وجود ندارد. چون نخست آن که نامزدها از آقای هخامتی گرفته تا سایرین، نامزدهای مجموعه ی حاکمیت و یا نامزد بخش هایی از جناح راست حاکم اند. و دیگر آن که نامزد اصلی و جدی در این انتخابات، آقای خاتمی، در چهار سال گذشته برغم وعده ی «قانون و امنیت» و «آزادی» در انتخابات پیشین، در قبال تعرض های بی وقفه ی مانیای حاکم علیه آزادی ها و حقوق مردم جز سکوت و نظاره گری و در بهترین حالت پند و اندرز دادن هیچ اقدام مؤثری انجام ندادند. و سرانجام این موضوع که خود ایشان در ماه های آخر ریاست جمهوری خود در گزارش گونه ای از دوران ریاست جمهوری خود به مردم، دلیل عدم اجرای آن وعده ها را نداشتن اختیارات لازم خواندند. حال مردم به حق از خود می پرسند که اگر ایشان در چهار سال گذشته به این دلیل که رئیس جمهوری بی اختیار بودند کاری برای مردم انجام ندادند اکنون مگر چه تغییری در توازن نیرو میان ایشان و جناح دیگر حاکمیت رُخ داده و چه شرایط تازه ای پدید آمده است که ایشان خود را اساساً برای ریاست جمهوری مجدداً نامزد کرده اند. اگر در چهار سال پیش ایشان به گونه ای توهّم آمیز نقشه ها و پروژه هایی در سر داشتند، اکنون پس از چهار سال ریاست جمهوری و اذعان به این که در این مدت از دست ایشان کاری ساخته نبود، آشکار است که ایشان این بار بدون داشتن هیچ برنامه و پروژه ای، حتا توهّم آمیز، در این انتخابات شرکت می کنند. زیرا تجربه های چهار سال گذشته دیگر نباید جایی برای توهّم نسبت به امکان انجام اصلاحات مورد نظر ایشان در این نظام باقی گذاشته باشد.

بدون شک در انتخابات هشتمین دوره ی ریاست جمهوری، مردم به اقتضای شرایط و تشخیص و تجربه ی تاکتونی خود و با توجه به وقایع چهار سال گذشته نسبت به آن واکنش های متفاوتی نشان خواهند داد، واکنشی که حوادث روزهای آخر انتخابات در آن بی تأثیر نخواهد بود.

حال اگر مردم با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۷۶ با رأی مثبت خود به خاتمی در واقع رأی منفی به ولایت فقیه دادند، به جاست در این انتخابات با رأی منفی خود به کل نظام جمهوری اسلامی خراست خود را در استقرار نظام دیگری آشکارا اعلام دارند.

اما آنچه به نیروهای سیاسی لائیک و آزادی خواه مربوط می شود بدیهی است که آنان در انتخاباتی که خود از حق نامزد شدن در آن محروم اند، انتخاباتی که فاقد هر نشانی از مبانی و مضامین آزادی و دموکراسی است نمی توانند شرکت کنند. چه شرکت آنان در چنین انتخاباتی به معنای بی اعتقادی و بی اعتنائی آنان به ارزش های دموکراسی و جامعه ی مدنی و نفی علت وجودی خود به عنوان نیروی لائیک و آزادی خواه است.